

پژوهش در قلمرو هنر و راهکارهای پویایی آن

شب‌نم گلزار مُشکی

کارشناس ارشد صنایع دستی

چکیده

هنرهای پویا در ایران، پس از ورود اسلام به این سرزمین، شکلی دیگر به خود گرفت. در بسیاری از موارد به تکامل رسید و در برخی جهات، به شکل قبل باقی ماند و رشدی نیافت و حتی از یاد رفت. امروزه ما با تماشا و دقت در عظمت و زیبایی دست‌ساخته‌های قدما، هم مبهوت هنرشان می‌شویم و هم خواستار بازآفرینی و زنده نگه‌داشتن آن هستیم. پژوهش‌های فراوان و گوناگونی در مورد هنرهای مختلف در ایران صورت گرفته است که نشان از پژوهشگران علاقه‌مند به این مقوله به‌رغم مشکلات سر راه این کار دارد، اما نکته مهم، چگونگی به‌کارگیری نتایج این پژوهش‌هاست، همان نکته‌ای که هدف نگارش این مقاله قرار گرفته است و به روش توصیفی-کاربردی، مشکلات انجام پژوهش‌های هنری و سرانجام آن‌ها را بیان می‌کند. ثمره این نوشتار دستیابی به این نکته است که، توجه و ارزش‌گذاران نهادهای متولی هنر به پژوهش‌های انجام‌شده، گفت‌وگو در مورد مقاله‌های نوشته‌شده در مجلات و همایش‌ها و بررسی آن‌ها، فراخواندن پژوهشگران از سوی نهادهای هنری، دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسه‌های مربوطه، برای موضوعی هدفمند که با پشتوانه‌ای مناسب در رفع مشکل یا جلوگیری از فراموش شدن هنری خاص کوشش کند، از جمله راهکارهایی هستند که مانع ناقص و بیهوده ماندن پژوهش‌های انجام‌شده در این عرصه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هنر ایرانی، مراحل پژوهش، راهکارها

مقدمه

پژوهش در قلمرو هنر همواره از دغدغه‌های اهل هنر و هنرپژوهان که در پی یافتن چرایی و چگونگی شکل گرفتن آثار هنری هستند، بوده است. شور و شوق پژوهشگران و نیاز به فهم و زنده نگه‌داشتن تجربیات هنری گذشته و به‌کارگیری آن‌ها در فعالیت‌های هنری امروز، در بیشتر مواقع، بی نتیجه می‌ماند که دلیل آن به اجرا درنیامدن حاصل پژوهش انجام شده است که در برخی موارد نیز باعث سرخوردگی پژوهشگر و بی‌علاقگی او به پیگیری پژوهش مستمر، می‌شود.

برای جلوگیری از این اتفاق ناخوشایند، بایستی تدابیری اندیشید که هم به پویایی هنر ایران زمین کمک کند و هم پژوهشگر را به ادامه راه، دلگرم سازد.

پژوهش در مقوله هنر و چالش‌های آن

برای ارائه راهکارهایی به‌منظور کاربردی کردن پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌های مختلف هنری، ابتدا به چگونگی انجام پژوهش در این عرصه و مشکلاتی که در تهیه مطالب و مستندات

و تدوین پژوهش، پیش‌رو قرار دارد، می‌پردازیم.

پس از انتخاب موضوع، پژوهشگر برای تهیه مطالب ابتدایی و تاریخی به کتابخانه مراجعه می‌کند که در برخی موارد، نخستین مشکل در همین مرحله بروز می‌کند و آن، کمبود یا نبود منابع تألیفی یا ترجمه‌ای معتبر و قدیمی بودن کتاب‌های موجود در کتابخانه‌هاست. بدیهی است که هر روز پژوهش‌های گوناگون و کشفیات جدیدی صورت می‌گیرد اما نتیجه و نسخه‌ای از آن‌ها به همه کتابخانه‌ها راه نمی‌یابد.

مرحله دوم، مراجعه به مراکز متولی هنر و درخواست مدارک و اسنادی راجع به موضوع مورد نظر است؛ مرحله‌ای که همکاری و هماهنگی کامل و همیشگی را در پی ندارد. نکته جالب توجه در این مورد، گاه نبود اسناد و گزارش‌هایی کامل از فعالیت‌های انجام‌شده یا وضعیت گذشته آثار هنری به‌خصوص معماری و تزیینات وابسته به آن است و اغلب پاسخی برای چرایی این مطلب وجود ندارد.

مرحله سوم، بخشی از پژوهش است

که به‌صورت میدانی انجام می‌شود. انجام پژوهش به‌صورت میدانی، ارزش بیشتری به کار می‌بخشد؛ زیرا با مشاهده عینی آثار هنری از جمله اشیاء مختلف و بناهای تاریخی، امکان تجزیه و تحلیل بهتر برای پژوهشگر به‌وجود می‌آید. در این صورت، وی می‌تواند بین اطلاعاتی که از مطالعه کتاب‌های مرجع به‌دست آورده و آنچه خود به چشم می‌بیند، توازن برقرار کند و تحلیلی مناسب ارائه دهد. چه بسا، آنچه پژوهشگر از مشاهده خود به‌دست می‌آورد با آنچه در کتاب‌ها گفته شده مغایر باشد و نقطه عطفی در قدرت دانش و تحلیل پژوهشگر ایجاد کند که توانایی شناسایی درست از نادرست و راست را از دروغ بیابد.

مسئله دیگری که در این گام پیش روی پژوهشگر قرار می‌گیرد، اجازه نیافتن برای این مشاهده عینی به‌صورت کامل است که این مورد درباره اشیاء درون موزه‌ها با مجاز نبودن عکس‌برداری از آن‌ها و در مورد بناها، راه نیافتن به تمام قسمت‌های آن‌هاست. البته دلیل آن تا حدودی روشن است؛ زیرا به سبب بارزش بودن اشیاء درون

موزه‌ها و آسیب‌پذیر بودنشان، تنها در صورت بااهمیت بودن موضوع، اجازه عکس‌برداری حرفه‌ای و تهیه طرح‌های آن‌ها به پژوهشگر داده می‌شود. در نتیجه، جمع‌آوری اطلاعات برای تحقیق میدانی در بیشتر مواقع به صورت ناقص انجام می‌گیرد و پژوهشگر را متکی به مدارک کتابخانه‌ای می‌نماید. در مورد پژوهش‌های مرتبط با هنر اسلامی، گاه کار سخت‌تر می‌شود؛ چراکه گاه مکان مورد نظر در انحصار مؤسسه یا نهادی خاص است که اجازه بررسی را به پژوهشگر نمی‌دهد.

پس از طی مراحل پیشین، زمان تحلیل اطلاعات به‌دست آمده فرا می‌رسد و تدوین مقاله و نتایج آن انجام می‌گیرد. هنگامی که مقاله یا طرح پژوهشی به سرانجام رسید، به منظور ارائه آن چندین راه وجود دارد؛ نخست، فرستادن متن به مجله‌ای مرتبط با موضوع پژوهش است که این مجلات به انواع علمی-پژوهشی، علمی-ترویجی و تخصصی طبقه‌بندی می‌شوند. راه دوم، شرکت دادن مقاله در همایش‌هایی است که به‌صورت دانشگاهی، استانی، ملی و بین‌المللی برگزار می‌شوند. گزینه دیگری که برای انتشار مقاله یا طرح پژوهشی وجود دارد، ارائه آن به مراکز و نهادهای متولی هنر مانند سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و سازمان‌های زیرمجموعه آن است.

اقدام برای پذیرش مقاله یا طرح پژوهشی از سوی هر یک از موارد ذکر شده، روندی دیگر است که همواره موفقیت به‌دنبال ندارد. در این میان، مجلات برای پذیرش مقالات سختگیری بیشتری اعمال می‌کنند ولی همایش‌ها با دیدی بازتر و همگانی‌تر به این مسئله می‌نگرند.

نتیجه ارائه مقاله یا طرح پژوهشی

اکنون فرض را بر این قرار می‌گذاریم که مقاله تدوین شده مربوط به بخشی از هنر ایران زمین، در یکی از مجلات معتبر به چاپ رسیده است. پرسش این است که مجله مذکور چگونه در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد؟ مجلات تخصصی هنر بیشتر در کتابخانه‌های دانشگاه‌های هنر توزیع می‌شوند و

دانشجویان در محیط کتابخانه می‌توانند از مطالب آن‌ها استفاده کنند. این مجلات به‌طور محدودتر با عنوان‌های کمتر البته به غیر از شهر تهران، در چند کتاب‌فروشی محدود به فروش می‌رسند؛ از این‌رو، تعداد بسیار محدودی آن‌ها را مطالعه می‌کنند و اغلب در قفسه‌های کتابخانه‌ها خاک می‌خورند تا شاید فردی بنا به موضوعی خاص، آن‌ها را ورق بزند. این قضیه در مورد چاپ مجموعه چکیده‌ها یا مجموعه مقالات همایش‌ها نیز، تکرار می‌شود و آشنایی چندانی با مقاله‌ها و نویسندگان آن‌ها صورت نمی‌گیرد. از سویی، اخبار همایش‌ها به‌صورت عمومی منعکس نمی‌شود و فقط خبر مربوط به تعداد محدودی از آن‌ها که تعداد زیادی مقاله و شرکت‌کننده و حامی دارند، به رسانه‌ها راه پیدا می‌کند. در برخی همایش‌ها هم، گزینش مقالات برتر صورت نمی‌گیرد و مقالات تنها به‌صورت سخنرانی و پوستر ارائه می‌شوند. در اینجا همایش پایان یافته و اثری از رشد یا تغییری محسوس در هنر و پژوهش در مورد آن دیده نمی‌شود.

گزارش و نتایج طرح‌های پژوهشی که در دانشگاه‌ها یا نهادهای هنری انجام می‌شوند، اغلب بدون بازدهی، در کتابخانه‌ها می‌مانند و کمتر کسی از آن‌ها بهره‌مند می‌شود یا حتی با آن‌ها آشنایی پیدا می‌کند. اگر روند پژوهش در ابتدا با اندیشه کافی و حمایت مناسب، آغاز شود و نتیجه آن اجرا شود و اطلاعات مربوطه به آن در اختیار همگان قرار گیرد، هم نیاز به احترام گذاشتن و به آثار هنری و فرهنگی نگهداری صحیح از آن‌ها در بین مردم احساس می‌شود و هم پژوهشگران، اشتیاق بیشتری برای مداومت در امر پژوهش در خود می‌یابند و برای زنده نگه‌داشتن هنر این مرز و بوم بیشتر تلاش می‌کنند.

جمع‌بندی

پژوهش در هنر ایران و به‌خصوص هنر پس از اسلام به‌دلیل وجود مصداق‌های بیشتر و نزدیک‌تر بودن از لحاظ دوره زمانی اهمیت فراوانی در شناسایی آنچه سال‌ها بر این سرزمین و فرهنگ آن گذشته است دارد و عرصه‌ای مناسب برای عرض‌اندام در مقابل کشورهای است که برای خود فرهنگ‌تراشی می‌کنند. البته این مهم به آسانی به‌دست نمی‌آید و به مطالعه، پژوهش و حمایت مستمر نیاز دارد. هرچه بیشتر در زمینه فرهنگ و هنر بررسی و پژوهش شود و نتیجه فعالیت‌های پژوهشی در اختیار عامه مردم قرار گیرد، ارزش و حرمت آثار بر آن‌ها بیشتر نمایان می‌شود. آموزش روش صحیح پژوهش و بردباری در سیر آن و داشتن خیالی آسوده از باز خورد و حمایت مناسب از سوی متولیان هنر، باعث پدید آمدن فرهنگ و هنری زنده و پویا و تشویق پژوهشگرانی قابل و کارآمد خواهد شد.

واگذار کردن مقاله یا طرح پژوهشی به سازمانی فرهنگی-هنری، سرنوشتی مشابه خواهد داشت مگر در موارد خاص که پیگیری پژوهشگر و اهمیت موضوع مورد بحث در آن و یافتن حامی برای طرح‌های اجرایی، آن را به سرانجامی قابل ذکر برساند.

برای کمک به کاربردی کردن نتایج پژوهش‌ها در زمینه هنر در ایران و افزودن بر میزان تأثیرگذاری آن‌ها، روش‌هایی را می‌توان پیشنهاد کرد: - مقالات چاپ شده در مجلات، در طیف وسیع‌تری از کتابخانه و کتاب‌فروشی‌ها توزیع شده و در کلاس‌های درس در دانشگاه‌ها و محافل علمی راجع به آن‌ها و ارزش واقعی‌شان بحث و تبادل نظر شود. این روش هم باعث آشنایی دانشجویان با تعداد بیشتری از پژوهش‌های انجام شده در زمینه هنر ایرانی-اسلامی می‌شود و ایده‌ای نو برای پژوهشی متفاوت را در ذهن آن‌ها ایجاد می‌کند و هم باعث بیان نظرات و پیشنهاد‌های آنان در رد یا قبول نتیجه پژوهش‌ها و اندیشیدن درباره اجرای فرضیه‌های مندرج در آن‌ها می‌شود.

- روند فوق درباره مقالات ارائه‌شده